

## عوامل مؤثر بر یادگیری در بین دانش جویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران

سید جمال الدین نبوی<sup>۱</sup> مهناز عسگریان<sup>۱</sup>

گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران

### چکیده:

**مقدمه:** یادگیری، جریان پیوسته‌ای است که شامل تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار نهفته فرد می‌باشد به طوری که طیف وسیعی از رفتارها و واکنش‌های شخصی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از این رو بررسی عوامل مؤثر بر یادگیری و افزایش و تقویت راهبردهای یادگیری از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.

**روش بررسی:** در این مطالعه با توجه به مطالعات نظری در زمینه عوامل مؤثر بر یادگیری، پرسش‌نامه‌ای تدوین شد و توسط دانش جویان به تفکیک جنس و رشته تحصیلی و معدلشان تکمیل گردید و داده‌های تجربی به دست آمده، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. این بررسی توصیفی روی نمونه‌ای به حجم ۲۰۰ نفر انجام شد و برای این منظور از فرضیات روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده گردید.

**نتایج:** با توجه به نتایج به دست آمده یادگیری تحت تاثیر عوامل مختلفی در محدوده راهبردهای یادگیری، عادت‌های مطالعه و انگیزش قرار می‌گیرد. میانگین میزان مطالعه دانش جویان در کل ۲۴ ساعت، ۳ ساعت و ۱۵ دقیقه و میانگین میزان خواب شبانه ایشان در حدود ۶ ساعت بوده است هم چنین ۶۳٪ از دانش جویان به فعالیت‌های غیردرسی می‌پرداختند و ۵۰٪ آن‌ها برنامه‌ریزی منظمی داشتند و ۹۴٪ از دانش جویان به رشته تحصیلی خود علاقمند بودند. با تفکیک جنس، معدل و رشته تحصیلی تفاوت‌های معنی‌داری مشاهده گردید.

**نتیجه‌گیری:** به طور کلی می‌توان گفت راهبردهای یادگیری، عادت‌های مطالعه و انگیزش از جمله عوامل مؤثر بر یادگیری هستند که میزان اثربخشی هر یک از این عوامل با تاکید بر جنس و معدل و رشته تحصیلی متفاوت است به عبارت دیگر عواملی مانند جنسیت، معدل و رشته تحصیلی به عنوان متغیر مستقل تاثیر به‌سزایی را بر متغیر وابسته یادگیری دارند بنابراین پاسخ‌های آزمودنی‌ها در موارد ذکر شده با یکدیگر متفاوت بوده است به گونه‌ای که این تفاوت از نظر آماری معنادار می‌باشد و می‌توان در سطوح احتمالات ۰/۰۱ و ۰/۰۵ این تفاوت‌ها را پذیرفت.

**کلید واژه‌ها:** ۱- یادگیری ۲- عادت‌های مطالعه ۳- انگیزش ۴- راهبردهای یادگیری

### مقدمه:

توانایی نهفته‌ای مستثنی نمی‌باشند اما انسان‌ها ظرفیت بالاتری را در زمینه یادگیری داشته و تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در الگوهای رفتاری و هم‌چنین سازگاری نسبت به تغییرات محیط اطراف، از خود نشان می‌دهند. (۱ و ۲)

زیربنای رفتار آدمی را یادگیری تشکیل می‌دهد به طوری که شایستگی‌های انسان در طول زندگی از طریق یادگیری کسب می‌شود. فرآیند یادگیری در انسان و حیوان مشترک بوده و هیچ‌یک از آن‌ها از داشتن چنین

اغلب رفتارهایی که از انسان سر می‌زند محصول یادگیری وی می‌باشد یعنی فرد مطابق با آن چیزی که آموخته است رفتار می‌کند. (۳ و ۲) بنابراین می‌توان با صراحت عنوان کرد که یادگیری طیف گسترده‌ای از رفتارها و واکنش‌های شخص را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

انسان از طریق فرآیند یادگیری می‌تواند رفتارهای اجتماعی، عاطفی، روانی و عقلانی و تا حدودی جسمانی خود را بهبود بخشد و در جهت اصلاح آن‌ها تلاش نماید و از سوی دیگر بر خزانه رفتارش افزوده و شیوه‌های گسترده‌تری را در زمینه سازگاری با محیط اطراف و در نتیجه کسب تعادل روانی به دست آورد. یادگیری در فرد تنها تأثیرگذار نیست بلکه انسان قادر است به موازات تأثیرپذیری از یادگیری، از طریق آموخته‌هایش تأثیر زیادی بر محیط داشته باشد و بسیاری از شرایط اطرافش را مطابق با میل خود تغییر دهد. (۴ و ۳)

جریان یادگیری، جریان پیوسته‌ای است که شامل تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار نهفته فرد می‌باشد. این جریان، پیوسته از فردی به فرد دیگر متفاوت بوده و در افراد مختلف ظرفیت‌های متفاوتی را به خود اختصاص داده است. البته در این میان نمی‌توان تأثیر عامل محیط را نیز نادیده گرفت و از آن سخنی به میان نیاورد، زیرا یادگیری علاوه بر آن که تحت تأثیر عوامل درونی مانند خصوصیات روانی، انگیزه‌ها، هیجانات، اهداف و تمایلات فرد می‌باشد، از عوامل بیرونی از جمله امکانات آموزشی، روش‌های مطالعه، ساعت‌های مطالعه و محرکات اطراف نیز تأثیر می‌پذیرد. (۵)

پی بردن به این واقعیت که یادگیری تا حد زیادی به رویدادهایی وابسته است که فرد در محیط زندگی‌اش با آن‌ها کنش متقابل Intraction دارد، ما را قادر می‌سازد تا به یادگیری به عنوان رویدادی که می‌توان آن را دقیق‌تر مورد بررسی قرار داد و عمیق‌تر فهمید، بنگریم. یادگیری رویدادی نیست که تنها به طور طبیعی اتفاق بیفتد بلکه

تحت تأثیر شرایط قابل مشاهده مشخصی رخ می‌دهد به طوری که شرایط قابل تغییر و کنترل هستند و این امر، بررسی رویدادهای یادگیری را به روش‌های علمی ممکن می‌سازد، به گونه‌ای که می‌توان شرایطی را که در آن یادگیری رخ می‌دهد، مشاهده نمود. (۵). سیندگرن در سال ۱۹۹۳ (۶) با توجه به اهمیت مبحث یادگیری و عوامل مؤثر بر آن تحقیقات گسترده‌ای را در این زمینه انجام داد. تحقیقی توسط امینیان در سال ۱۳۷۸ (۷) با عنوان بررسی شیوه‌های مطالعه بر یادگیری دانشجویان انجام شد که در آن با نمونه‌ای به حجم ۴۹۷ دانشجویان از طریق پرسش‌نامه‌ای حاوی ۵۳ سؤال پژوهش‌گر ساخته چنین نتیجه‌گیری شد که بین معدل دیپلم و معدل دانشگاه (۵۳/۰ = r) هم بستگی مثبت معناداری وجود دارد.

هم چنین نتایج این تحقیق نشان داد که اغلب دانشجویان هنگام مطالعه با مشکلاتی مانند، عدم تمرکز حواس (۴۲/۲۵٪)، نداشتن حوصله درس خواندن (۱۳/۱۷٪)، کندخوانی و خوب یاد نگرفتن مطالب (۱۴/۸٪) و ندیدن آموزش‌های لازم در زمینه روش‌های صحیح مطالعه (۷۸/۴۱٪) روبرو هستند.

تحقیق دیگری توسط بابانژاد، در سال ۱۳۷۵ (۸) با عنوان “بررسی و مقایسه شیوه‌های مطالعه و یادگیری و اثر آن در پیش رفت تحصیلی دانش‌آموزان” صورت گرفت. در این تحقیق نمونه‌ای به حجم ۴۸۰ نفر (۲۴۰ دختر و ۲۴۰ پسر) با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، چند مرحله‌ای انتخاب شد و از طریق پرسش‌نامه ۳۲ سوالی پژوهش‌گر ساخته نتیجه‌گیری کرد که بین معدل و شیوه‌های مطالعه هم بستگی مثبتی وجود دارد و این رابطه از نظر آماری معنادار می‌باشد. هم چنین دانش‌آموزان دختر در مقایسه با دانش‌آموزان پسر از شیوه‌های مطالعاتی مطلوب‌تری برخوردار بودند. تحقیقی دیگر با عنوان “بررسی تأثیر آموزش شیوه‌های مطالعه در یادگیری دانش‌آموزان” توسط امامقلی زاده، در سال ۱۳۷۸ (۹) انجام شد که این پژوهش به

### روش بررسی:

تحقیق حاضر که از نوع توصیفی می باشد به روش پس‌رویدادی انجام شد. در این پژوهش جامعه آماری شامل تمام دانش‌جویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران بود که از بین این افراد نمونه‌ای به حجم ۲۰۰ نفر بر اساس فرمول برآورد حجم نمونه انتخاب شد و با تأکید بر فرضیات روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با نسبت جامعه زن و مرد و با تفکیک رشته تحصیلی به گونه تصادفی گزینش صورت گرفت. در این تحقیق از پرسش‌نامه پژوهش‌گر ساخته استفاده شد. این پرسش‌نامه علاوه بر بخش دموگرافی (جنس، سال ورود به دانشگاه، رشته تحصیلی و معدل) دارای ۲۲ سؤال بود به طوری که هر یک از سؤالات با توجه به مطالعات نظری در زمینه عوامل مؤثر بر یادگیری، شاخص‌بندی شده و در نهایت با در نظر گرفتن شاخص‌های مرتبط با عوامل مؤثر بر یادگیری، متناسب با هر یک از آن‌ها سؤالاتی برای پرسش‌نامه تدوین گردید سپس به منظور تعیین روایی سازه این پرسش‌نامه، از چند نفر متخصص نظرخواهی به عمل آمد و بدین ترتیب نقص‌ها و کاستی‌های آن رفع شد. هم‌چنین قبل از اجرای نهایی این پرسش‌نامه به صورت مقدماتی (پایلوت) اجرا گردید و در نهایت پس از دادن تغییرات لازم در پرسش‌نامه، فرم نهایی آن در ۳ طیف انگیزش، راهبردهای یادگیری و عادت‌های مطالعه، روی نمونه‌های تحقیق اجرا شد.

داده‌های تجربی در این پژوهش به منظور آزمون ۳ فرضیه اصلی جمع‌آوری گردید که عبارت بودند از:

- ۱- بین عوامل مؤثر بر یادگیری در بین دانش‌جویان و جنسیت آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- بین عوامل مؤثر بر یادگیری دانش‌جویان و معدل آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- بین عوامل مؤثر بر یادگیری در بین دانش‌جویان با تفکیک معدلشان تفاوت معناداری وجود دارد.

منظور بررسی تأثیر آموزش شیوه‌های مطالعه (دقیق خوانی - برنامه‌ریزی و پس‌ختم) روی یادگیری دانش‌آموزان صورت گرفته بود. در این مطالعه نمونه‌ای به حجم ۷۲ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شد. نتایج این تحقیق نشان دهنده آن بود که بین میزان یادگیری دانش‌آموزان آموزش دیده به شیوه پس‌ختم و برنامه‌ریزی با گروه شاهد تفاوت معناداری وجود دارد اما در مقایسه با گروه آموزش دیده به روش دقیق خوانی با گروه شاهد چنین تفاوتی مشاهده نشد. این یافته‌ها نشان دهنده آن است که چنانچه شیوه مطالعه متناسب با مواد خواندنی آموزش داده باشد، می‌تواند نتایج مطلوبی در برداشته باشد.

در پژوهش رایینز و مارتوس در سال ۱۹۹۶، به مقایسه شیوه‌های یادگیری در بین دانش‌جویان موفق و ناموفق دانشگاه هامبورگ پرداخته شد که این مقایسه با تفکیک جنس و رشته تحصیلی صورت گرفت در این مطالعه که از نمونه‌ای به حجم ۶۲۶ نفر استفاده شده بود نتایج حاکی از آن بودند که بین شیوه‌های یادگیری در بین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. هم‌چنین دانش‌جویان رشته پزشکی در مقایسه با دانش‌جویان رشته غیرپزشکی از شیوه‌های یادگیری مطلوب‌تری برخوردار می‌باشند. از آن‌جا که در مشاوره‌های برنامه‌ریزی درسی و روش‌های مطالعه با دانش‌جویان، مشاوران طی سال‌های گذشته با یک سری سؤالات از جانب دانش‌جویان در مورد روش‌های برنامه‌ریزی درسی، عوامل مؤثر بر یادگیری و روش‌های مطالعه و... روبرو می‌شدند، پاسخ به این سؤالات برای محققان (که مشاور نیز می‌باشند) انگیزه این تحقیق را ایجاد کرد. در این راستا و با توجه به اهمیت یادگیری، پژوهش‌گران به تعیین عوامل مؤثر بر یادگیری پرداختند. نتایج حاصل از یافته‌های این تحقیق، تأییدی بر یافته‌های پژوهش‌های قبلی می‌باشد.

یافته‌های مربوط به فرضیه اول:

با توجه به جنسیت نمونه‌های تحقیق در بعد انگیزش می‌توان بیان کرد که بین نمونه‌های زن و مرد از نظر انگیزشی (علاقه به رشته تحصیلی، تأثیر اتفاقات روزمره بر یادگیری، داشتن برنامه منظم مطالعاتی و علت حضور در کلاس) تفاوت معناداری وجود ندارد.

با توجه به جنسیت نمونه‌های تحقیق در بعد راهبردهای یادگیری براساس جدول شماره ۱-۱ می‌توان گفت که از بین راهبردهای یادگیری (روش مطالعه، منابع مورد مطالعه، میزان مطالعات غیردرسی، فهم مطالب، مکان مطالعه، روش آمادگی برای قبول شدن در امتحان و روش مرور کردن درس) در بین زنان و مردان تنها در خرده مقیاس منابع مورد مطالعه (در سطح ۰/۰۱) و فهم مطالب (در سطح ۰/۰۵) تفاوت معناداری وجود داشت به طوری که فهم مطالب در بین مردان (۵۰٪) بیش تر از طریق گوش کردن و در بین زنان (۳۱٪) بیش تر از طریق نوشتن صورت می‌گیرد.

هم چنین مردان در مقایسه با زنان بیش تر از کتاب استفاده می‌کنند در حالی که زنان بیش تر گرایش به استفاده از جزوه دارند.

جدول شماره ۱-۱ جدول زیر بیان گر تفاوت ۲ جنس در منابع مورد مطالعه و روش‌های فهم مطالب می‌باشد.

شاخص	میزان مجذور کای	درجه آزادی	p-value	سطح معناداری
منابع مورد مطالعه	۱۸/۳۴	۲	۰/۰۵**	**
روش‌های فهم مطالب	۲۱/۷۶	۱۲	۰/۰۱*	*

براساس جدول شماره ۲-۱ می‌توان گفت که از بین خرده مقیاس‌های عادت‌های مطالعه (ساعت‌های مطالعه، ساعت‌های استراحت و تفریح، میزان خواب شبانه، مطالعه گروهی، وضعیت حضور و غیاب، زمان مطالعه، وضعیت استفاده بهینه از کلاس درس) در

اهداف این تحقیق که به گونه‌ای کاربردی در نظر گرفته شد عبارت بود از:

۱- شناسایی شیوه عمل کرد دانش جویان واحد پزشکی تهران در زمینه مطالعه و یادگیری درسی و عوامل مربوط به آن.

۲- شناسایی و ارائه الگوی مناسب برای یادگیری دانشجویان براساس جنس.

۳- شناسایی و ارائه الگوی مناسب یادگیری به دانش جویان براساس رشته تحصیلی.

۴- شناسایی و ارائه الگوهای مناسب یادگیری به دانش جویان براساس معدل.

۵- شناسایی مشکلات و متغیرهای مزاحم در امر یادگیری.

۶- آگاهی بخشی به اساتید نسبت به عمل کرد دانش جویان در کلاس.

به منظور جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه توسط گروهی از دانش جویان آموزش دیده در بین نمونه‌های تحقیق توزیع گردید و اطلاعات به دست آمده در کامپیوتر کدبندی شد روش نمره گذاری در این پرسش‌نامه از نوع عینی بوده و با تأکید بر مقیاس فاصله‌ای و طیف لیکرت گویه‌های مرتبط با شیوه‌های مطالعه و یادگیری بیان گردید. نمره ۴ برای گزینه بسیار زیاد، نمره ۳ برای گزینه زیاد، نمره ۱ برای گزینه بسیار کم در نظر گرفته شد. در این پژوهش علاوه بر استفاده از فرضیات روش توصیفی (فراوانی، فراوانی درصدی)، در محدوده آمار استنباطی نیز آزمون فرضیه‌های تحقیق از طریق روش مجذور کای انجام گردید.

## نتایج:

یافته‌های این پژوهش در ۳ طیف اصلی و ۹ طیف فرعی گزارش شده است، به طوری که در ۳ طیف اصلی چهارچوب فرضیه‌های مطرح شده و در ۹ طیف فرعی یافته‌های در ارتباط با مقیاس‌های انگیزش، راهبردهای یادگیری و عادت‌های مطالعه در نظر گرفته شد.

شاخص	میزان مجذور کای	درجه آزادی	P	سطح معناداری
علاقه به رشته تحصیلی	۲۰/۷۱	۲	۰/۰۱	**
تأثیر اتفاقات روزمره بر یادگیری	۱۸/۷۶	۴	۰/۰۱	**

بین زنان و مردان تنها در خرده مقیاس میزان خواب شبانه و وضعیت حضور و غیاب (در سطح ۰/۰۱) تفاوت معناداری وجود ندارد به طوری که میانگین میزان خواب شبانه زنان در حدود ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه و در مردان حدود ۶ ساعت و ۳۸ دقیقه بوده است.

جدول شماره ۲-۱ بیان گر تفاوت دوجنس در بین دانش جویان در میزان خواب شبانه و حضور در کلاس می باشد.

شاخص	میزان مجذور کای	درجه آزادی	P	سطح معناداری
میزان خواب شبانه	۱۷/۱۴	۴	۰/۰۱	**
وضعیت حضور و غیاب	۲۰/۰۱	۲	۰/۰۱	**

- یافته‌های مربوط به فرضیه دوم :

با توجه به جدول شماره ۱-۲ می‌توان چنین گفت که از بین شاخص‌های بعد انگیزشی، با توجه به رشته تحصیلی دانش جویان تنها در خرده مقیاس‌های علاقه به رشته تحصیلی و تأثیر اتفاقات روزمره بر یادگیری (در سطح ۰/۰۱) تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که دانشجویان رشته‌های پزشکی (۹۹٪) بیشترین علاقه را به رشته تحصیلی‌شان نشان داده‌بودند و پس از آن دانش جویان رشته علوم آزمایشگاهی (۹۱٪) و در نهایت دانش جویان رشته بهداشت محیط (۷۸٪) به رشته‌های تحصیلی‌شان علاقه‌مند بوده‌اند. در رابطه با اعتقاد به تأثیر اتفاقات روزمره بر یادگیری، دانش جویان رشته بهداشت محیط (۶۵٪) بیشترین تأکید را روی این عامل داشتند.

جدول شماره ۱-۲ جدول زیر نشان می‌دهد دانش جویان بر حسب گزارش تحقیقی‌شان در علاقه به رشته تحصیلی و اثر پذیری از اتفاقات روزانه تفاوت دارند.

طبق جدول شماره ۲-۲ از بین شاخص‌های مربوط به راهبردهای یادگیری، با توجه به رشته تحصیلی دانش جویان، در زمینه منابع مورد مطالعه، روش‌های فهم مطالب و روش‌های آمادگی برای قبول شدن در امتحان (در سطح ۰/۰۱) و در زمینه مکان مطالعه (در سطح ۰/۰۵) تفاوت معناداری مشاهده شد به طوری که دانش جویان رشته پزشکی (۶۳٪) بیش‌تر از کتاب و جزوه به صورت توأم استفاده می‌کنند در حالی که دانشجویان رشته‌های دیگر بیش‌تر به جزوه اکتفا می‌نمایند. هم‌چنین از نظر روش فهم مطالب دانش جویان رشته پزشکی (۴۶٪) بیش‌تر به گوش کردن، دانش جویان رشته علوم آزمایشگاهی (۲۷٪) بر یادداشت برداشتن و دانش جویان رشته بهداشت (۳۸٪) بر نوشتن کل مطالب تأکید داشتند. در زمینه روش‌های آمادگی برای امتحان، دانش جویان رشته پزشکی (۴۹٪) بیش‌تر از فرجه امتحان استفاده می‌کنند در حالی که دانشجویان رشته علوم آزمایشگاهی (۳۴/۵٪) در طول ترم و دانشجویان رشته بهداشت (۸۳/۸۷٪) در شب امتحان آماده می‌شوند. در نهایت از نظر مکان مطالعه نیز دانش جویان رشته پزشکی (۲۸٪) بیش‌تر از سایرین از کتاب‌خانه استفاده می‌کنند در حالی که رشته‌های دیگر از منزل به عنوان مکان مطالعه بهره‌بردار می‌شوند.

جدول شماره ۲-۲ جدول زیر نشان دهنده تفاوت دانش جویان رشته‌های پزشکی، علوم آزمایشگاهی و بهداشت محیط در منابع

تأثیر اتفاقات روزمره روی یادگیری	۱۶/۰۶	۶	۰/۰۱	**
----------------------------------	-------	---	------	----

مطابق با جدول ۲-۳ می‌توان عنوان نمود که در محدوده راهبردهای یادگیری بین معدل‌های مختلف در شاخص‌های میزان مطالعه غیردرسی (در سطح ۰/۰۵) و شیوه‌های آمادگی برای قبولی در امتحان (در سطح ۰/۰۱) تفاوت معناداری مشاهده شده است. در زمینه آمادگی، دانش‌جویان با معدل بالای ۱۷ (۶۳٪) مطالعه در طول ترم را بیان کردند در حالی که افراد با معدل ۱۷-۱۵ (۴۶٪) و ۱۵-۱۲ (۴۵٪) مطالعه در فرجه امتحان را مطرح نمودند.

جدول ۲-۳. جدول زیر نشان می‌دهد دانش‌جویان برحسب سطح معدل نمرات درسی در مطالعات غیردرسی و روش آمادگی برای امتحان تفاوت دارند.

شاخص	میزان مجذور کای	درجه آزادی	P	سطح معناداری
میزان مطالعه غیردرسی	۱۸/۳۱	۹	۰/۰۵	*
روش آمادگی برای قبول شدن در امتحان	۴۳/۸۳	۱۵	۰/۰۵	*

با توجه به جدول شماره ۳-۳ می‌توان چنین بیان کرد که در محدوده عادت‌های مطالعه با توجه به معدل دانش‌جویان، تنها در شاخص‌های ساعت‌های مطالعه، میزان خواب شبانه، وضعیت حضور و غیاب (در سطح ۰/۰۱) و مطالعه گروهی و زمان مطالعه (در سطح ۰/۰۵) تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که میانگین ساعت مطالعه در یک شبانه روز در افراد با معدل بیش از ۱۷، ۳ ساعت و ۴ دقیقه در افراد با معدل ۱۷-۱۵، ۲ ساعت و ۲۸ دقیقه

مطالعه، روش‌های درک مطلب، روش‌های کسب آمادگی امتحان و مکان مطالعه می‌باشد.

شاخص	میزان مجذور کای	درجه آزادی	P	سطح معناداری
منابع مورد مطالعه	۱۸/۱۴	۴	۰/۰۱	**
روش‌های فهم مطالب	۵۶/۴۸	۲۴	۰/۰۱	**
روش‌های آمادگی برای قبول شدن در امتحان	۳۰/۷۷	۱۰	۰/۰۱	**
مکان مطالعه	۱۸/۲۰	۸	۰/۰۵	*

از بین شاخص‌های مربوط به عادت‌های مطالعه، هیچ تفاوت معناداری بین رشته‌های پزشکی، علوم آزمایشگاهی و بهداشت محیط مشاهده نشد.

یافته‌های مربوط به فرضیه سوم:

طبق جدول شماره ۱-۳ می‌توان گفت که با توجه به معدل دانش‌جویان در محدوده انگیزشی، تنها در شاخص‌های علاقه به رشته تحصیلی و تأثیر اتفاقات روزمره بر یادگیری (در سطح ۰/۰۱) تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که افراد با معدل بالای ۱۷ (۹۷٪) علاقه بیشتری به رشته تحصیلی‌شان داشتند و افراد با معدل‌های ۱۵-۱۲ (۶۶٪) بیش‌ترین تأکید را بر تأثیر اتفاقات روزمره روی یادگیری بیان کرده بودند.

جدول شماره ۱-۳. جدول زیر نشان‌دهنده تفاوت دانش‌جویان در علاقه به رشته تحصیلی و اثربخشی از اتفاقات روزمره برحسب معدل نمرات درسی‌شان می‌باشد.

شاخص	میزان مجذور کای	درجه آزادی	P	سطح معناداری
علاقه‌مندی به رشته تحصیلی	۹/۲۷	۳	۰/۰۱	**

مورد علاقه در بین دانش جویان ۳ ساعت و ۳۸ دقیقه بوده است.

از نظر میزان خواب شبانه نیز به طور میانگین دانش جویان ۶ ساعت را به خوابیدن اختصاص می‌دادند که این عامل با توجه به معدل و جنسیت دانش جویان تفاوت معناداری را نشان می‌داد و برخلاف دیدگاه اغلب افراد که معتقدند دانش جویان با معدل بالا ساعت‌های زیادی از شب را به مطالعه می‌پردازند، بر ساعت‌های خواب شبانه در افراد با معدل بالاتر از ۱۷ بیش تر بوده که این امر نشانه استراحت کافی دانش جویان با معدل بالا می‌باشد و در نهایت رابطه معناداری بین معدل و مطالب غیردرسی دانش جویان، مطالعه گروهی، میزان حضور و غیاب در کلاس، اوقات مطالعه، روش‌های آمادگی برای امتحان و علاقه به رشته تحصیلی مشاهده گردید.

این پژوهش با یافته‌های مطالعه امینیان (۷) و بابائزاد (۸)، که هم بستگی مثبتی را بین معدل و شیوه‌های مطالعه دانش جویان گزارش کرده بودند مطابقت دارد.

با در نظر گرفتن جنسیت آزمودنی‌ها نیز، تفاوت معناداری بین مردان و زنان در زمینه‌های میزان خواب شبانه، وضعیت حضور و غیاب در کلاس، منابع مورد مطالعه و روش فهم مطالب وجود داشته است.

هم چنین با توجه به رشته تحصیلی دانش جویان می‌توان ادعا کرد که تفاوت معناداری بین رشته‌های مورد مطالعه (پزشکی، علوم آزمایشگاهی و بهداشت) در زمینه منابع مطالعاتی، روش فهم مطالب، مکان مطالعه، روش آمادگی برای قبولی در امتحان و علاقه به رشته تحصیلی وجود دارد. نتایج به دست آمده نشان دهنده آن است که شیوه‌های مطالعه و عادت‌های آن و راهبردهایی که شخص به منظور یادگیری درپیش می‌گیرد و عوامل انگیزشی از جمله عوامل مؤثر بر یادگیری به شمار می‌روند که در بین رشته‌های متفاوت با در نظر گرفتن مواد درسی مربوطه، این روش‌ها اثربخشی متفاوتی را دارا می‌باشند بنابراین باید

و در افراد با معدل ۱۵-۱۲، ۲ ساعت و ۹ دقیقه گزارش شد.

هم چنین میزان خواب شبانه در افراد با معدل بالای ۱۷.۷ ساعت و ۳۴ دقیقه بود که بیش ترین میزان را در بین معدل‌ها داشتند.

وضعیت حضور در کلاس نیز در بین افراد با معدل بالای ۱۷ (۷۳٪) به گونه‌ای بود که اصلاً غیبت نداشتند.

از نظر زمان مطالعه نیز افراد با معدل بالای ۱۷ (۵۲٪) بیشتر در هنگام صبح به مطالعه می‌پرداختند.

جدول ۳-۳ جدول زیر نشان می‌دهد دانشجویان برحسب سطح معدل نمرات درسی، میزان مطالعه، میزان خواب، مطالعه گروهی حضور در کلاس و اوقات مطالعه تفاوت دارند.

شاخص	میزان مجذور کای	درجه آزادی	P	سطح معناداری
ساعت‌های مطالعه	۴۲/۷۹	۱۲	۰/۰۱	**
میزان خواب شبانه	۴۲/۱۶	۱۲	۰/۰۱	**
مطالعه گروهی	۱۷/۰۱	۹	۰/۰۵	*
وضعیت حضور و غیاب	۲۶/۰۳	۶	۰/۰۱	**
زمان مطالعه	۲۹/۸۹	۱۸	۰/۰۵	*

### بحث:

نتایج این تحقیق نشان داد که به طور میانگین میزان مطالعه دانش جویان در کل، ۳ ساعت و ۱۵ دقیقه می‌باشد که با توجه به یافته‌های مطرح شده، بین ساعت‌های مطالعه و معدل رابطه معناداری وجود داشت به طوری که با افزایش معدل، میانگین ساعت مطالعه نیز افزایش می‌یافت. هم چنین میانگین میزان استراحت و پرداختن به فعالیت‌های

کننده عواملی است که در تحقیقات قبلی به عنوان عوامل مؤثر بر یادگیری مشاهده شده اند.

شیوه‌های به کارگیری مطالعه، متناسب با مواد درسی و رشته تحصیلی فرد انتخاب گردند. نتایج حاصل از این تحقیق در راستای تحقیقات انجام شده در گذشته و تکمیل

### منابع:

- ۱- گانیه روبرت، م. (۱۹۷۵)، شرایط یادگیری، ترجمه نجفی زندجعفر و سیف علی اکبر، چاپ اول، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۶۸ صفحه: ۶
- ۲- قلی‌زاده کلان، فرض‌الله، روشهای صحیح مطالعه و یادگیری، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰، صفحه: ۱۱
- ۳- دیز- جیمزو هالسی - استوارت. روان‌شناسی یادگیری، ترجمه دکتربراهنی محمد نقی چاپ سوم. تهران: انتشارات جویا، ۱۳۷۸، صفحه: ۵۰
- ۴- قشلاقی - محمد. روان‌شناسی یادگیری، چاپ اول - تهران، انتشارات مانی، ۱۳۷۱، صفحه: ۷۱.
۵. سیند گرن هنری ۱۹۹۳. روان‌شناسی موفقیت. ترجمه اردبیلی - یوسف، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۷۴، صفحه ۱۰۲.
- ۶- سیف- علی اکبر. روان‌شناسی پرورشی، چاپ ششم، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۵، صفحه: ۳۱
- ۷- امینیان. بررسی شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران ۱۳۷۳ شماره ۱۳۶۳۰.
- ۸- بابانژاد. بررسی و مقایسه شیوه‌های مطالعه و یادگیری و اثر آن بر پیشرفت تحصیلی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ۱۳۷۴، شماره ۲۱۴۶۵.
- ۹- امامقلی‌زاده. بررسی تأثیر آموزش شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان، دانشگاه تربیت معلم، دانشگاه علوم تربیتی ۱۳۷۸: شماره ۲۵۹۸۱.





**Abstract*****Influential factor on learning among students of Azad university***\*S.J.Nabavi MS<sup>I</sup> M.Asgarian M.S<sup>II</sup>

**Introduction:** *Learning is a continuous process including relatively permanent changes in individual potential behavior and it eclipses a widespread spectrum of individual behaviors and reactions.*

*Studying of influential factors on learning, and empower learning strategies are, Very important.*

**Material and method:** *acording to theoretical studies about influential factors on learning, a researcher devised questionnaire was compiled and carried out on students, then the experimental data were statistically analyzed. This study was descriptive type. and was done on 200 person for the purpose of present study randun sampling was used.*

**Results :** *Regarding the analysis of the data we found that learning is influenced by different factors such as learning strategies studying habits and motivation.*

*The average number of studying hour among students was 3hour and 15 minute and 6 hours of sleeping per night. Also, 63% of students did non have learning activities, 50% of them meet a regular schedule. 94% of students were interested in their majors.*

**Conclusion:** *Learning strategies study habits and motivation are, important, among the factors that influence learning and the level of effectiveness of each factor differs regarding sex, average and learnings field. In other word the parameters such as sex, average of grades, course of study are the independent parameters which influence the learning capability which is a dependent parameter. There fore the answer of cases mentioned above are different & the difference is statistically significant with  $p < 0.01$  &  $0.05$ .*

**Key words:** *1- Learning 2- Study habits 3- Motivation 4- Learning Strategies*

<sup>I</sup> – Ms in psychiatric consultatant ,Islamic Azad University Tehran Medical Unit (\*Corresponding Author)

<sup>II</sup> Measurement & assment. Islamic Azad University , Tehran Medical Unit